

«غلامعلی بیگدلی» یا «فرامرز دادرسی»: چهرهء پنهان عوامل جمهوری اسلامی

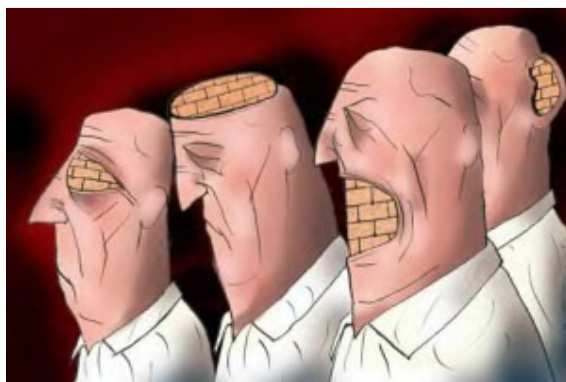
چهرهء پنهان عوامل جمهوری اسلامی در خارج از کشور

خبرگزاری آلمان: پلیس اسپانیا یک حلقهء جاسوسی علیه اپوزیسیون ایران را دستگیر کرده است. دو مرد و یک زن به اتهام تعقیب و تهدید فعالان سیاسی ایرانی مخالف جمهوری اسلامی در مادرید و سانتاندر در شمال این کشور دستگیر شده‌اند.

اشاره:

توضیح زیر، پاسخ یکی از همکاران ما به مقالهء فردی بنام غلامعلی بیگدلی = فرامرز دادرسی است که در چند سایت رژیم جمهوری اسلامی منتشر شده و سپس در سایت هائی منسوب به «جبههء ملی» (از جمله: سایت «احترام آزادی»!!، «ملیون» و...) وبلاگ «گیله مرد» (حسن رحب نژاد) بازتاب یافته است. متأسفانه، مسئولان سایت های مذکور، از انتشار این توضیح کوتاه، خودداری کرده و بدین ترتیب، بی اعتقادی خود را به «احترام آزادی» نشان داده اند! این امر، همچنین، نشان می دهد که برخی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی در برخورد با مخالفان نظری شان چگونه از «ساخته های عوامل جمهوری اسلامی» استفاده می کنند و نیز نشان می دهد که ذهنیت جهان سومی این روشنفکران و فعالان سیاسی، هنوز در دوران «جنگ سرد» منجمد مانده و بجای نقد منصفانه و استدلال، به دروغ و افتراء و عوامفریبی متوسل می شوند!

مسئول تارنما



روشنفکران جهان سومی

«...اینک، دیگر، تردیدی نیست که رژیم فرهنگ ستیز و آزادی گش جمهوری اسلامی مدّت هاست عوامل و بازوهای اجرایی خود را در خارج از کشور بکار گرفته تا روشنفکران آزادیخواه و آشتی ناپذیر را بدنام نماید که مقالهء آقای غلامعلی بیگدلی = فرامرز دادرسی می تواند نمونه ای از آن باشد: مقاله ای که انسان را بیاد «هویت سازان روزنامهء کیهان حسین شریعتمداری» می اندازد و دروغپردازی و پرونده سازی، وجه مشخصهء آن است. خوشبختانه، آقای هومر آبرامیان در دو برنامہء تلویزیونی، دروغپردازی های آقای فرامرز دادرسی = غلامعلی بیگدلی را افشاء کرده و وی را به «یک مناظرهء حضوری و مستقیم تلویزیونی در برابر قضاوت مردم» دعوت کرده «تاسیه روی شود هر که در او غش باشد»، دعوتی که متأسفانه «فرامرز دادرسی» = غلامعلی بیگدلی از پذیرفتن آن پرهیز کرده است!

مرحوم «غلامعلی بیگدلی» = «فرامرز دادرسی»!

علّت این فرار یا «پرهیز» از مناظره شاید این باشد که فردی بنام «**دکتر غلامعلی بیگدلی**» (استاد حقوق **دانشگاه تولوز**!!)، وجود خارجی ندارد، زیرا با مراجعه به ادارات و شهرداری های شهر تولوز و **کاتالوک دانشگاه تولوز (فرانسه)** ملاحظه کرده ایم که فردی بنام «غلامعلی بیگدلی» **35 سال پیش (در سال 1977)** با گذراندن دوره ای بنام دکترای e cycle3 از دانشکدهء حقوق تولوز، فارغ التحصیل شده ولی بخاطر فقدان ارزش علمی و آکادمیک اینگونه دکترا در کادر آموزشی و اداری فرانسه (برای مهاجرین)، وی، مجبوره بازگشت به وطن و کار

درايران شده است، بنا بر اين آقاى غلامعلى بيگدلى نيمى توانست يانمى تواند «استاد حقوق در دانشگاه تولوز» باشيد! اين بررسى ها نشان داد كه يكى از عوامل رژيم جمهورى اسلامى بنام «**فرامرز دادرى**» (كارشناس امنيتى و متخصص كامپيوتر در امور خرابكارى و جنگ روانى) با سوء استفاده از نام و هويت اين شخص مرحوم ياباز نيشسته وبى خبر، و با **الاصافعكس ناقص و نيمرچ فردديگرى**، كوشش كرده تا بدين وسيله براى مقالات و جعليات خود، «اعتبار دانشگاهى» كسب نمايد، بهمين جهت است كه **مقالات و جعليات آقاى غلامعلى بيگدلى = فرامرز دادرى، ابتداء در سايت خود فرامرز دادرى با نام farhang iran منتشر مى گردد!**

در برخى سايت ها، فرامرز دادرى = غلامعلى بيگدلى، خود را «كارشناس اطلاعاتى و امنيتى در رژيم شاهنشاهى» معرفى كرده كه «پس از خروج از ايران به «نهضت مقاومت ملى ايران دكتر شاهپور بختيار» پيوسته است»!!!... اين فرد عاقل مندي بود كه با شاهزاده رضا پهلوى نيز ملاقات كند، اما با هشدارهاى مكرر، شاهزاده از اين ديدار خوددارى كردند. بدنيال اين خوددارى شاهزاده است كه آقاى «**دكتر غلامعلى بيگدلى**» = فرامرز دادرى مقالات «**چرا بايد از رضا پهلوى ترسيد؟**» و «**چرا دولت فرانسه، موسوى و كروبي را به رضا پهلوى و مجاهدين ترجيح داد؟**» را منتشر مى كند! با اين همه پرسيدنى است:

1- آقاى فرامرز دادرى = غلامعلى بيگدلى بعنوان عضو «**نهضت مقاومت ملى ايران دكتر شاهپور بختيار**» در زمان قتل فجييع زنده ياد دكتر شاهپور بختيار و دكتر رضا مظلومان (كورش آريامنش) در پاریس، كجا بوده و چه مى كرده؟

2- اساساً اين «كارشناس اطلاعاتى و امنيتى رژيم شاهنشاهى» و عضو «نهضت مقاومت ملى ايران دكتر شاهپور بختيار» بر طبق اسناد زير در اين مدت چه پيوندى با شبكه هاى جاسوسى جمهورى اسلامى در خارج از كشور داشته ؟

3- رابطه اين «كارشناس اطلاعاتى و امنيتى» با سفارت جمهورى اسلامى در پاریس چيست؟

4- و سرانجام، علت سفرهاى متعدد آقاى فرامرز دادرى = غلامعلى بيگدلى به ايران جمهورى اسلامى براى دادن كدام گزارش بوده است؟

اسناد





بنابر اسناد بالا و سندهای دیگر، شایسته است که «فرامرز دادرسی» باشکرت در مناظرهء تلویزیونی آقای هومر آبرامیان، ضمن گزارش به ملت ایران دربارهء کم و کیف ارتباطش با رژیم جمهوری اسلامی، بارائهء نشانی دقیق همکار خود!! (دکتر غلامعلی بیگدلی)، ما را از هویت و حیات واقعی ایشان نیز خوشحال سازند!!

اسناد بیشتر و توضیحات دقیق تر، بزودی منتشر می شوند

بقول آقای هومر آبراهامیان: «فرامرز دادرسی» بسان «**مرد 1000 چهره**» خود را زیر نام های مختلف و مستعار «نوشین ایرانی»، «دکتر غلامعلی بیگدلی»، مسئول سایت سرقت شدهء «فرهنگ ایران» و «khabargozar.net@gmail.com» پنهان کرده است. این فرد، در گذشته ای نزدیک، با جعل و حقه بازی و ادبیاتی بسیار سخیف، به فرزانهگانی مانند استاد احسان یارشاطر، استاد شجاع الدین شفا، دکتر فرهنگ مهر... و نیز به شاهزاده رضا پهلوی، دکتر آبتین ساسانفر، هوشنگ معین زاده، مازیار قویدل، خسرو خزاعی و سایر مبارزان تاخته است. او ضمن نفوذ در «انجمن زرتشتیان ایران» در پاریس (به سرپرستی دکتر آبتین ساسانفر) و نیز سرقت یا مصادرهء تارنمای بنیاد «**فرهنگ ایران**» در استرالیا، کوشید تا «خدمات»ش از طرف جمهوری اسلامی، «بی اجر» نماید، ماجرائی که طی آن، «فرامرز دادرسی» (اینک با نام مستعار خانم «نوشین ایرانی»، «دکتر غلامعلی بیگدلی»، «خبرگزار نت»، «سایت فرهنگ ایران» و...) در دادگاه پاریس محکوم شده است! خوشبختانه، در ماجرای اخیر نیز، اسم واقعی، مشخصات ایمیل ها، شمارهء کامپیوتر مورد استفاده، محل اقامت و اسناد وابستگی این «**مرد 1000 چهره**» توسط کارشناسان فنی، شناسائی شده برای تعقیب و مراحل کیفری، به مقامات قضائی احاله خواهد شد. این تحقیقات همچنین نشان داد که 95% کامنت های موهن علیه آقای میرفطروس در سایت هائی مانند «**بالاترین**»، توسط همین «**مرد 1000 چهره**» گذاشته شده است. فرامرز دادرسی (= غلامعلی بیگدلی) با نام [farhang iran](http://farhang-iran.com) حتی با دست بردن در متن «**ویکی پدیا**» و طرح مسائل جعلی و دروغین، کوشیده است تا فرومایگی و بی شرمی خود را کامل کند!

دربارهء **نامهء میرفطروس به سناتور گراهام** نیز غلامعلی بیگدلی = فرامرز دادرسی، دروغ گفته، چون بقول آقای میرفطروس: پس از سرکوب خونین و هولناک اعتراضات حق طلبانه و آزادیخواهانهء مردم ما و خصوصاً زنان و جوانان ایران در جنبش سبز محتوای آن نامه، معطوف به «حملهء نظامی به رژیم جمهوری اسلامی و ستادهای سرکوب رژیم» بودنه حمله به مردم ایران و تاسیسات اتمی ایران. کشتار بیرحمانهء مردم بی دفاع سوریه و خصوصاً بمباران شهر تاریخی «حلب» بدست ارتش «بشار اسد» و سکوت «دوستانان صلح و مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی» و نیز سیطرهء مطلق استبداد مذهبی و انسدادهء بیشتر سیاسی در ایران، همچنین: افزایش هولناک مرگ و میرهای ناشی از آلودگی هوای تهران، اهواز، کرمانشاه، مشهد، سنج، اصفهان و...، شیوع «سونامی سرطان» و نیز افزایش قربانیان تصادفات رانندگی و غیره، درستی نظرات آقای میرفطروس را تأیید می کنند.

آقای «غلامعلی بیگدلی = فرامرز دادرسی» مدعی است که «اطلاعات خود را از «یک مأمور عالی رتبهء امنیتی رژیم سابق بنام فرامرز دادرسی بدست آورده است»!!، در حالیکه این «اطلاعات»!! **یک سال پیش** از مقالهء غلامعلی بیگدلی «(بتاریخ 26 اکتبر 2012) توسط خود آقای میرفطروس (بتاریخ 17 نوامبر 2011) در «گزارش یک دیدار برای جلوگیری از حملهء نظامی به ایران» به آگاهی عموم رسیده بود.

اینکه غلامعلی بیگدلی=فرامرز دادرسی نگران سرنگونی رژیم اسلامی است، «حق طبیعی» وی است! اما این فرد نباید علاقه یا وابستگی خودبه رژیم جمهوری اسلامی را در پشت پرده سازی، توهین و اتهام به مخالفان سرسخت جمهوری اسلامی، پنهان کند!

در دادگاه قضاوت مردم

غلامعلی بیگدلی=فرامرز دادرسی باید بدانکه شرافت هم چیز خوبی است هر چند برای وی، از شرافت، فقط «شر» و «آفت» باقی مانده است! با اینهمه، برای قضاوت مردم، امیدواریم که آقای غلامعلی بیگدلی=فرامرز دادرسی با حضور در مناظره، تلویزیونی آقای هومر آبرامیان، نشان دهد:

1- اسناد فوق (وسند های دیگر)، جعلی و فاقد اعتبار است،

2- دکتر غلامعلی بیگدلی، اسناد حقوق دانشگاه تولوز!!!، فردی غیر از فرامرز دادرسی است،

3- فرامرز دادرسی، بعنوان «کارشناس اطلاعاتی و امنیتی رژیم شاهنشاهی» و عضو «نهضت مقاومت ملی ایران» دکتر شاهپور بختیار، هیچ سفری به ایران نکرده و هیچ پیوندی با سرویس های اطلاعاتی و امنیتی رژیم اسلامی ندارد،

4- و در نتیجه، آقای غلامعلی بیگدلی=فرامرز دادرسی، عامل جمهوری اسلامی و مصداق مقاله «تحصیل کرده ای از جنس جنات»، نیست!

سیماجلالی

لینک های مربوطه:

ایوزیسون خارج کشور در محاصره جمهوری اسلامی

از ما بهتران»، بُدلانی در تاریکی، میرزا آقا عسگری (مانی)

تارنمای علی میرفطروس
خبرخوان

From: Bawandian@gmx.de

To: amirgholy@gmail.com

Subject: FW:

Date: Wed, 20 Mar 2013 19:12:41 +0100

با درود بخوانید و خودتان پرتقال فروش را پیدا کنید . ب ن

Sent: Mittwoch, 20. März 2013 17:23

To: Bawandian

Subject:

نویسنده غلامعلی بیگدلی، دکتر در حقوق از دانشگاه تولوز فرانسه

شخصی به نام رضا معاون، مسافر خانه دار در پاریس، که با نصب تابلویی در محل کارش، خود را مشاور ارشد شاهزاده رضا پهلوی معرفی می کرد، در نیمه شب هفدهم و هجدهم ماه مارس 2013، در گذشت. در این رابطه پلیس فرانسه دو ایرانی را که شب با وی بسر برده بودند بازداشت کرد. بازداشت شدگان؛ جهانگیر شادانلو و شخصی به نام آزاد می باشند

جهانگیر شادانلو همان کسی است که ایوبونه، رئیس پیشین ضد جاسوسی فرانسه در کتاب خود به نام (واواک در خدمت آیت الله ها) از او به عنوان مأمور وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نام برده بود. من در مقاله ای که در رادیو کوچه و چند تارنمای اینترنتی دیگر منتشر شد، اسناد محکومیت این شخص را در دادگاه پاریس ارائه دادم

این اسناد در گزارش مشترکی که از سوی پنتاگون و کتابخانه کنگره آمریکا، درباره مأمورین وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی تهیه شده بود منتشر شد.

از چند ساعت برنامه تلویزیونی از علی اصغر سرببی، مدیر تلویزیون اینترنتی مردم تی وی، به دفاع شادانلو در چند ماه گذشته با خرید ابوالحسن بنی صدر، علی میرفطروس، هومر آبرامیان و شخص خود پرداخت و به شایعه پراکنی و اتهامات دروغ علیه کسانی که وی و دست زد. فیلم برخی از این اتهامات، زینت بخش تارنمای رسمی علی میرفطروس می باشد این اشخاص را افشا کرده اند.

شادانلو هم چنین ترتیب شرکت شماری از جدا شدگان سازمان مجاهدین خلق را در این تلویزیون فراهم کرد و حملاتی سازماندهی شده علیه این گروه به راه انداخت.

درباره حرکات، شادانلو، میرفطروس و آبرامیان، پیش از این از سوی من غلامعلی بیگدلی، دکتر نیما فرمین، حقوقدان از دانشگاه مطالبی در رسانه ها منتشر شده مونت پلیه فرانسه و دوست ارجمندم فرامرز دادرس، پژوهشگر و کارشناس اطلاعاتی مقیم فرانسه، است.

رضا معاون، ظاهراً از سلطنت طلبان افراطی و از نزدیکان شاهزاده رضا پهلوی بشمار می رفت. وی دارای پرونده قطوری از خلافکاری ها در نزد پلیس فرانسه بود. معاون در پاریس با سه ! همسرش زندگی می کرد. یکی از پسران رضا معاون، افسر مخابرات در هنگام رویداد های جنبش سبز در تهران، با رد گیری مکالمات تلفن های همراه از سپاه پاسداران در تهران بود و شایع است که عوامل اصلی سرکوب تظاهر کنندگان مخالف رژیم بوده است.

صافکاری اتومبیل مشغول بود. وی یکبار هنگام درگیری با پلیس آگاهی کوشش رضا معاون پیش از انقلاب، در خرم آباد مدتی به شغل کرد تا بگریزد ولی پلیس به او شلیک کرد و یک پای او تا پایان زندگی معلول بود. رضا معاون در پاریس به سیاست روی آورد و با به راه انداختن یک تارنمای اینترنتی به نام نیروی سوم، از نزدیکان شاهزاده و به ادعای خودش مشاور ارشد سیاسی شاهزاده شده بود. عکس های گوناگون وی در اروپا و آمریکا در کنار شاهزاده، تأیید کننده این ادعای وی می باشند.

شکل گیری شورای ملی شاهزاده وارد می کند در این هنگام، ضربه جبران ناپذیری به روند مرگ این مشاور ارشد